

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل			
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه

عاشورا مؤمنان را به موت قبل از فوت نائل می‌کند.

کلمات کلیدی: عاشورا، مؤمنان، شیعیان، موت، فوت، بیداری، حیات، ترک تعلق، محبت دنیا، زهد حقیقی، نعمت، آخرت، عشق حسینی علیه السلام، سلوک در جذبه‌ی اباعبدالله علیه السلام.

❁ سالی یک‌بار عاشورا شیعیان را می‌میراند و زنده می‌کند و **مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا**<sup>۱</sup> را عملی می‌کند.<sup>۲</sup>

اگر خاطرتان باشد در بحث‌های قبلی گفته‌ایم که ما یک فوت داریم و یک موت. فوت موقعی است که فرد جان می‌دهد و دفنش می‌کنند و تمام؛ اما موت قطع تعلق از دنیاست؛ قطع دل بستگی از دنیاست.

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود  
از آنچه رنگ تعلق پذیرد آزاد است

قطع تعلق از دنیا؛ قطع دل بستگی از دنیا؛ موت همین است و بیداری ما در گرو همین موت است. فرمودند:

**النَّاسُ نِيَامٌ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا**<sup>۳</sup>: مردم در خوابند؛ هنگامی که به موت نائل شوند، بیدار می‌شوند. گفت: بمیرید

بمیرید از این عشق بمیرید. از عشق اباعبدالله الحسین علیه السلام بمیرید.

۱. مجلسی، روضة المتقین، ج ۱، ص ۳۴۷.

۲. مهدی طیب، مصباح الهدی، ص ۳۰۰.

۳. سیدرضی، خصائص الائمة، ص ۱۱۲؛ ورام، مجموعه‌ی ورام (تنبيه الخواطر)، ج ۱، ص ۱۵۹ و لیتی، عیون الحکم، ص ۶۶.

بمیرید بمیرید از این عشق بمیرید

کزین عشق چو مردید همه روح پذیرید

خفتن ما، سنگین شدن پلک‌های چشم روح ما، مال محبت دنیاست و اگر محبت دنیا از وجود ما پاک شود، قلب ما از محبت دنیا پاک و تطهیر شود، [بیدار می‌شویم]. منظور تعلق به دنیاست؛ نه استفاده از دنیا. بحث تارک دنیا شدن و دست کشیدن از استفاده‌ی از دنیا نیست. خیر! دل بریدن از محبت و تعلق دنیاست؛ یعنی طوری بشوی که اگر همه‌ی دنیا را به تو بدهند، ذوق‌زده نشوی؛ همه‌ی دنیا را هم از تو بگیرند، غم‌زده نشوی. **لِكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ**<sup>۴</sup>؛ این قطع تعلق از دنیاست. زهد حقیقی این است. زهد حقیقی بی‌رغبتی نسبت به دنیاست؛ یعنی دل شخص برای دنیا پر نزند. آرزوی انسان، آرزوهای دنیوی نباشد؛ والا استفاده‌ی از دنیا بد نیست؛ دنیا نعمت خداست که به ما داده؛ اگر عاقل و باطل بگذاریمش، پیش خدا مسؤولیم. **نِعْمَ الْهَيْهَ رَا بَايِدُ دَر مَسِيرِ بِنْدَگِي خِدا بَه كَار بَگِيرِيْم. وَ اِبْتِغِ فِيمَا آتَاكَ اللهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَنْسِ نَصِيحَتَكَ مِنَ الدُّنْيَا**<sup>۵</sup>؛ نصیبتی که خدا از دنیا به ما داده، برای آخرت‌طلبی داده، اگر به فراموشی بسپاریم و از آن استفاده نکنیم، کفران نعمت کرده‌ایم. این نعم را باید در مسیر طاعت و بندگی به کار اندازیم. مثل سوختی است که ماشین باید مصرف کند تا به مقصد برسد؛ بدون سوخت که نمی‌تواند به مقصد برسد؛ اما دل در گرو آن نبند. اگر قطع تعلق از دنیا کردی، به موت نائل شدی. به موت هم که نائل شدی، دیدگان دلت باز می‌شود. دیدگان دلت که باز شد و بیدار شدی، آن وقت افق‌های دیگر هستی را می‌بینی. گفت:

آنچه نادیدنی است آن بینی

چشم دل باز کن که جان بینی

۴. سوره‌ی حدید، آیه‌ی ۲۳.

۵. سوره‌ی قصص، آیه‌ی ۷۷.

خب، قطع تعلق از دنیا، اینکه انسان دل از محبت دنیا ببرد، بتواند از جاذبه‌ی محبت دنیا خارج شود، کار دشواری است؛ کار سختی است! انرژی و نیروی زیادی می‌خواهد. مثل سفینه‌ی فضایی که وقتی روی زمین است و می‌خواهد پرواز کند و به کرات آسمانی برود، خصوصاً مرحله‌ی اولش خدا می‌داند چقدر انرژی لازم است که مصرف کند تا بتواند خودش را از جاذبه‌ی زمین بکند. وقتی از قلمروی جاذبه‌ی زمین خارج شد، دیگر با همان شتاب اولیه‌ای که دارد، هیچ سوختی هم لازم نیست مصرف کن، مسیر را خیلی راحت ادامه می‌دهد. سالک الی الله تا از جاذبه‌ی محبت دنیا خارج نشده کار برایش خیلی سخت است؛ خیلی سخت! پولش یک‌جور جاذبیت دارد، پست و مقامش یک‌جور جاذبیت دارد؛ شهرت و نامش یک‌جور؛ آسایش و رفاهش یک‌جور دیگر؛ شهوت و لذتش؛ خورد و خوراکش ... خدا می‌داند چقدر همه‌ی سلول سلول ما را به زمین بسته است. مولانا می‌گوید:

پَر کشیده سوی بالا، بال‌ها      تن زده اندر زمین چنگال‌ها

روح می‌خواهد بالا برود؛ اما تن چنگال‌هایش را در زمین فرو کرده؛ جاذبه‌ی دنیا او را گرفته است. اینکه بتواند بکند، مثل همان سفینه‌ی فضایی که می‌خواهد بکند و از این جاذبه خارج شود، خیلی انرژی می‌خواهد. تمام مجاهدت‌ها و ریاضت‌های اهل سلوک مال همین است؛ می‌خواهند از این جاذبه خارج شوند. این همه زحمت، این همه ریاضت، اما کربلا به آسانی این کار را می‌کند؛ یعنی کسی که در جاذبه‌ی عشق اباعبدالله علیه السلام قرار گرفت، کارش تمام است. تمام! و عاشورا وقتی است که این عشق را در اوج خودش شکوفا می‌کند.

سالی یک‌بار عاشورا شیعیان را می‌میراند و زنده می‌کند. **يُحْيِي وَ يُمِيتُ<sup>٦</sup> وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي<sup>٧</sup>** آن **يُحْيِي وَ يُمِيتُ** اولش، طی شد؛ اما این **يُحْيِي وَ يُمِيتُ** چه؟ آن موتی که بعدش حیات است؛ حیاتی که دیگر بعد از آن

---

٦. سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ٥٦.

حیات، موتی نیست. **حَيٌّ لَا يَمُوتُ**<sup>۸</sup> می شود؛ مظهرِ **حَيٌّ لَا يَمُوتُ** می شود. عاشورا این کار را می کند؛ کسانی که در اقیانوس عشق حسینی علیه السلام می افتند و دل به عشق اباعبدالله علیه السلام می سپارند، اصلاً دیگر دنیا را نمی بینند؛ بهشت را هم نمی بینند.

جلسه‌ی قبل گفتیم، شب عاشورا که امام حسین علیه السلام بهشت را نشان دادند، برجستگان اصحاب اباعبدالله خیره خیره خود اباعبدالله علیه السلام را نگاه می کردند؛ می گفتند: یا اباعبدالله! ما چشم از شما برداریم و به حور و غلمان و قصور بهشت نگاه کنیم؟! بهشت ما تویی! لذا آنهایی که در اقیانوس عشق حسینی علیه السلام افتادند و غرق شدند، اصلاً دنیا را نمی بینند. برای آنها جاذبه‌ی دنیا اصلاً معنا ندارد. سالکانی که از طریق اباعبدالله علیه السلام وارد وادی سلوک شدند، مسیر را خیلی سریع و راحت طی کردند و از جاذبه‌ی دنیا خارج شدند. [وقتی از جاذبه‌ی محبت دنیا خارج شدی، به موت نائل شدی و همان **مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا**، همان **اِسْتِعْدَادَ لِلْمَوْتِ قَبْلَ خُلُولِ الْفُوتِ**،<sup>۹</sup> محقق شد. این هنر عاشوراست. هیچ جای دیگری، هیچ مکتب سلوک دیگری به این سرعت و به این گستردگی چنین هنری ندارد. فقط کار عاشوراست! فقط کار عاشوراست و بس! فقط کار اباعبدالله الحسین علیه السلام است.

**صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يَا أَبَاعَبْدِاللهِ وَ صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يَا أَبَاعَبْدِاللهِ**<sup>۱۰</sup>

۷. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۵۱۸ و محدث قمی، مفاتیح الجنان، تعقیبات نماز صبح.

۸. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۵۱۸ و محدث قمی، مفاتیح الجنان، تعقیبات نماز صبح.

۹. سیدبن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۲۲۸؛ کفعمی، مصباح، ص ۵۸۷ و محدث قمی، مفاتیح الجنان، اعمال ماه رمضان، شب بیست و هفتم.

۱۰. کلینی، کافی، ج ۴، ص ۵۷۵؛ حرّعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۹۳ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۰۱.